

ای زن دگر آنکه با من آمیزی نیست
کار تو به غیر فتنه انگیزی نیست
دارم همه عیب را که گفتی اما
عیبی بتر از بلای بی چیزی نیست

او در نهایت بی باکی و تهور زندگی می کرد و نیز توفیق زیارت مکه
وحج یافت و با وجود پای لنگ پیاده به مکه شتافت و این بیت را
هنگام بازگشت سروده است:

چو سر به حلقه زلف بتان در آوردم
سری به عالم دیوانگی بر آوردم

تاریخ نگاران و تذکره ها از او بسیار یاد کرده و او را ستوده اند.

منابع: از رابعه تا پروین، ۱۶۱؛ تذکره الخواتین، ۱۵۰؛ تذکره
حسینی، ۱۳۱؛ جواهر المعجایب، ۱۳۷؛ حدیقه عشرت، ۳۷؛ الذریعه،
۹-۶۲۵/۲؛ ریاحین الشریعه، ۳۷۱/۴؛ زنان سخنور، ۳۰۵/۱؛ مخزن الغریبه،
۲۱۸/۳؛ نثر عشق، ۱۰۶. عبدالحسین شهیدی صالحی

ضلال، چه از نظر لغوی، و چه از نظر کلامی مبحثی است
قابل توجه که در این دو مورد دو مقاله از طرف استادان ارجمند
آقای بهاءالدین خرمشاهی و آقای عبدالعلی صاحبی رسیده است
که هر دو عالمانه و موجب تکمیل یکدیگر و تشحیذ اطلاعات
خواننده گرامی خواهند بود و ما از درج آنها مضایقه نمی کنیم.

ضلال / اضلال، این دو کلمه هم ریشه از کلمات
پربسامد و کلیدی قرآن کریم اند. ضلال، مترادف با لغت قرآنی
«غَى» و نقطه مقابل هدایت و رشد و رشاد است. معنای اصلی
ضلال، گمراهی از راه یا از حق به در و به دور افتادن، غایب شدن،
ناپدید شدن، نابود شدن، هدر رفتن است و سرگشتگی یا سرگشته
شدن هم جزو اصلی ترین معانی این کلمه است. در قرآن کریم کفر
و شرک آوردن به خدا همان ضلال و گمراهی دور و دراز است
(بقره، ۱۰۸؛ نساء، ۱۱۶). و در آیه ای دیگر با تفصیل بیشتر گفته
شده است: هر کس به خداوند و فرشتگان او و کتابهای آسمانی
اش و فرستادگانش و روز قیامت کفر (انکار) بورزد، سخت دچار
گمراهی است (نساء، ۱۳۶). نیز گفته می شود که هدایت یافتن و به
راه ایمان رفتن (برای انسانها و مؤمنان عادی) مسئولیت فردی است
(نه اینکه امر به معروف در این باب منتفی شده باشد)؛ ای مومنان
شما مسئول ایمان آوری خود هستید، و چون راه یافته به ایمان
باشید، کسی که به گمراهی افتاده است، زبانی به شما نمی رساند
(مائده، ۱۰۵). باز گفته می شود هر کس راه یافته باشد
رهیافتگی اش به سود او و بیراهه رویش (فی المثل استکبار

گفته می شود، قوه در اینجا اصطلاح خاصی است و به معنای
«مقاومت در برابر فشار خارجی» می باشد. معنای جامع کیفیت
استعدادی که قوه و لاقوه (ضعف)، هر دو را در بر می گیرد عبارت
است از استعداد شدید جسمانی برای یک امر بیرون از ذات. و این
خود بر دو قسم است: الف) استعداد شدید در برابر انفعال و پذیرش
مانند حالت نرمی موم و نیز حالت آمادگی زیاد بدن برای پذیرش
بیماری (مراضیت) و این همان «لاقوه و ضعف» است. ب) استعداد
شدید در قبال عدم انفعال و پذیرش، مانند صلابت و سختی آهن و
آمادگی زیاد بدن برای صحت و عدم قبول بیماری (بصاحت).

انواع ضعف، علاوه بر آنچه در مورد ضعف کودکی و پیری
گفته شد انواع دیگری برای ضعف بر شمرده اند: ضعف العقل، این
که درجه کمتری از اختلال مشاعر دارد؛ ضعیفین، بردگان و
چاربایان را گفته اند؛ ضعیف، خبر واحدی است که واجد شرایط
حدیث صحیح موثق و حسن نباشد و مجروح بدون فساد یا شبهه؛
ضعیفه، نام غلطی بود که سابقاً برای بانوان استعمال می شد و امروز
با رفتن مادام ترشکوا به کره ماه نشان خطا بودن آن نامگذاری
می باشد؛ ضعف الهضم، ناتوانی معده و جهاز هاضمه در هضم غذا؛
ضعف القلب، مرضی است که انسان در قلب خود احساس می کند.

منابع: قرآن کریم؛ نهج البلاغه، کلمه ۲۵۰؛ ترجمه تفسیر
المیزان، علامه طباطبائی، ۳۰۷/۱۶؛ مفردات، راغب اصفهانی، ۲۹۵؛ کشف
اصطلاحات الفنون، تهبانوی، ۱۱۱۸/۲؛ لسان العرب، ابن منظور؛ شوارق
الالهام، ۲۱۱/۲؛ تفسیر المرام فی علم الکلام، ۲۴۹/۱؛ بدایه الحکمه، ترجمه
شیروانی، ۲۱۶/۲؛ شرح منظومه، ملاهادی سبزواری، ۱۴۰؛ شرح المقاصد،
سعدالدین تفتازانی، ۳۸۹/۲؛ مباحث المشرقیه، فخر رازی، ۴۱۱/۱؛ مطالع
الانظار، ۵۸؛ مبدوء، دکتر جعفری لنگرودی. عبدالعلی صاحبی شاهرودی

ضعیفی نیشابوری (م ح ۸۷۰ ق)، فاضله شاعره از

زنان سخنور عصر خود و از اهالی نیشابور بود. فنون ادب و علوم
اسلامی را از افاضل عصر خود فرا گرفت. صاحب تذکره الخواتین
او راز معاصرین حکیم آذری سفرانسی (م ۸۶۶ ق) ضبط کرده
است. او با یکی از شعرای عصر خویش ازدواج نموده که مرد
سالخورده ای بوده و با وی مشاعره و مطایبه می کرد. و این رباعی را
خطاب به او گفته:

ای مرد ترا به مهر انگیزی نیست

هم پیر و ضعیفی و ترا چیزی نیست

با این همه می دهی نهیم به زدن

خود قوت آن ترا که بر خیزی نیست

همسرش در جواب او گفت:

MADDE YAYIMLANDIKTA
SONRA GELEN DOKÜ

29 Haziran 2018

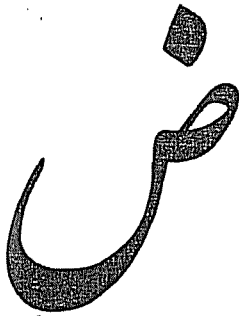
دانسته‌اند؛ یعنی به طور قطع و یقین از معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) صادر شده‌اند. آنها وجوهی برای گفته خود بیان کرده‌اند که از بهترین آنها سخنان شیخ حرّ عاملی است که گفته: اصحاب ائمه (ع) و صاحبان اصول و کتب و جوامع اولیه حدیث، تا زمان محمدین ثلاثه (شیخ کلینی - شیخ صدوق - شیخ طوسی) اهتمام و کفایت بسیار شدیدی نسبت به روایات داشته‌اند و در چگونگی شماع و ضبط احادیث دقت کافی می‌نمودند. اما این سخن از سوی جمعی دیگر از علما و پژوهشگران مورد نقد واقع شده است؛ بعضی از پاسخهای آنها بدین قرار است: (۱) اگر چه اصحاب ائمه (عَلَيْهِمُ السَّلَام) بیشترین سعی و کوشش خود را در امر حدیث و حفظ آن مبذول داشته‌اند، ولی چون آنها در دوران تقیه می‌زیستند قادر نبودند که احادیث اهل بیت عصمت (ع) را به طور آشکار نشر دهند؛ لذا همه این احادیث در حدّ تواتر، نزدیک به آن نبوده است؛ (۲) بر فرض که چنان اهمّی را موجب علم بدانیم، در حقیقت، علم به ثبوت آن اصلها و کتب است، نه علم به صدور قطعی احادیث از ائمه اطهار (ع)؛ و امکان سهو و تحریف و اشتباه را در مورد بعضی از روایان نمی‌توان انکار کرد. البته، مرحوم آیت الله سید عبدالاعلی موسوی سیرواری (مرجع معاصر مقیم نجف - م ۱۳۷۲ ش) در مقدمه کتاب *مُتَهَدَّبُ الاَحْکَامِ* خود - که یک دوره فقه استدلالی است - به تمامی این ایرادات پاسخ گفته و ثابت نموده است که احادیث کتب *اربعه* و بلکه کتب مشهوره قداماء همچون *تَحْفُفُ الْمُتَقُولِ* و امثال آن، همگی در حکم حدیث صحیح هستند و محتاج بررسی سند نمی‌باشند... نیز از دیگر فقهاء اصولی اخیر که قائل به همین قول شده و همگی این کتب را صحیح می‌دانند، مرحوم حاج آقارضا همدانی صاحب *مِصْبَاحِ النِّقْمَةِ* (م ۱۳۲۲ ق - سائرآراء) می‌باشد، که در کتاب *الْقَوَائِدُ الرَّضَوِيَّةُ عَلَيَّ الْقَرَائِدِ الْمُتَرْتَبِيَّةِ* (در اصول؛ که حاشیه بر رسائل شیخ مرتضی انصاری است)، قائل به همین قول شده و بررسی رجال سند احادیث این کتب را لازم نمی‌داند و چنین می‌گوید: *فَقَدِ اسْتَرْحْنَا عَنْ عِلْمِ الرِّجَالِ* پس برآستی که آسوده شدیم از مشقّت بررسی رجال سند احادیث... منابع: در متن مقاله آمده است. مرضیه محمد زاده

کتاب ضلال، کتب جمع کتاب و ضلال به فتح اول، اسم مصدر به معنی گمراهی و راه باطل، می‌باشد. اما باید دانست که ضالّ (اسم فاعل) - که جمع آن ضلال باشد - به معنی گمراه است نه گمراه کننده؛ هر چند که اطلاق آن بر کتاب باطل و گمراه‌گر، اکنون به غلط شایع شده و مؤنث آن ضالّه است، که می‌گویند: اوراق

باب و شامل ۱۳۵۹ حدیث است. این اثر گرانبها از بدو تألیف تاکنون، همواره مورد اعتماد و استناد عموم دانشمندان به ویژه محدّثین و فقها بوده و هست. شیخ طوسی این کتاب را در سن ۲۳ سالگی، از اصول مورد اعتماد قداماء و منابعی که از بدو ورود به بغداد در اختیار او بوده، جمع آوری و تألیف نمود؛ و قسمتی از این کتاب در حیات استادش شیخ مفید و به‌عنوان شرح رساله فقهی او *المُتَهَدَّبُ* نگارش یافت؛ سپس، پس از وفات استاد، خود آن را کامل نمود. *مَلَدُ الاِخْبَارِ* علامه مجلسی، از بهترین شروح تهذیب است.

الاِسْتِبْصَارُ فِيمَا اخْتَلَفَ بَيْنَ الاِخْبَارِ دومین اثر مهم حدیثی شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی و چهارمین کتاب معتبر حدیث و فقه شیعه امامیه است. این کتاب نیز همانند تهذیب، از زمان تألیف همواره مورد توجه فقهاء بوده است. کتاب *الاِسْتِبْصَارُ* در سه جزء تنظیم شده که دو جزء آن در عبادات و جزء سوم مربوط به *مُعَامَلَات* و بقیه ابواب فقه است. شیخ طوسی این کتاب را پس از *تهذیب الاحکام* و با استفاده از آن کتاب نوشت؛ منتهی این کتاب شامل تعدادی از کتب تهذیب است، نه همه آن؛ و دیگر آنکه کتاب تهذیب، جامع اخبار مخالف با یکدیگر و موافق با هم است؛ در صورتی که اخبار کتاب *استبصار* منحصرأ به اخبار مختلفه و متعارضه و ذکر طریقه جمع بین آنها می‌باشد. کتاب *الاِسْتِبْصَارُ* دارای سه جزء می‌باشد؛ جزء اول ۳۰۰ باب، و ۱۸۹۹ حدیث؛ جزء دوم مشتمل بر ۲۱۷ باب و ۱۱۷۷ حدیث؛ و جزء سوم مشتمل بر ۳۹۸ باب، و ۲۴۵۵ حدیث؛ و بطور کلی، ابواب کتاب ۹۱۵، و مشتمل بر ۵۵۳۱ حدیث می‌باشد؛ و با کتاب طهارت، شروع و به کتاب دیات ختم می‌شود. کشف *الاسرار* سید نعمت الله جزایری - شاگرد علامه مجلسی - از بهترین شروح *استبصار* است.

این سه فقیه، کتب *اربعه* را به انگیزه رفع تناقض و از بین بردن تعارض در حدیث شیعه نوشته‌اند؛ منتهی سبک کار این دانشمندان با یکدیگر تفاوت دارد. کلینی و شیخ صدوق تعارض در اخبار را به این صورت حل نمودند که تنها به درج احادیث موافق بپردازند؛ به این امید که اخبار مخالف با جوائع آنان به تدریج منسوخ گردد. اما در عهد شیخ طوسی، اختلاف فتوی و تشّت آراء به اوج خود رسید، و بی شک علت اصلی این اختلافات، نحوه برداشت از حدیث و روایت بوده است. شیخ با توجه به روایات مختلف و متعارض و کوشش در جمع بین آنها، به گونه‌ای که کمتر روایتی به عنوان روایت ضعیف کنار گذاشته شود، دو کتاب مهم خود را در راستای همین هدف تألیف نمود. جمعی از محدّثین، تمامی روایات کتب *اربعه* را *قَطْعِي الصُّدُورِ*،



ضابطه — ضابط

ضال (اسماء الحسنی) — نافع

گمشده دانا حکمت است که آن را می‌جوید آنچنانکه هست و گمشده عاقل حکمت است که به آن سزاوار است. «الحکمة ضالة المؤمن» = دانش گمشده انسان است و به همین مناسبت به معنی مخفی و غائب نیز آمده، و لذا در آیه شریفه می‌خوانیم: وقالوا اذا ضللنا فی الارض ائنا لفی خلق جدید = و گویند چون در (خاک) زمین ناپدید شدیم آیا آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت (سجده، ۱۰).

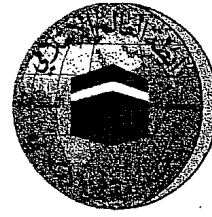
در فقه حیوان گمشده یا هر حیوان مملوکی که بدون تصرف یافت شود ضاله گفته می‌شود. ولی اگر حیوان مزبور در چراگاه یا نزدیک آبی یافت شود یا متمکن از دفاع خود در مقابل درنده باشد ضاله محسوب نمی‌گردد. قول مشهور فقهای امامیه حیوان ضاله را عبارت از شتر، گاو، گوسفند می‌دانند و بقیه حیوانات لقطه محسوب می‌شوند و قول دیگر هر حیوان مملوکی که بدون متصرف یافت شود ضاله به شمار می‌آید.

شرایط حیوان ضاله، ۱) منظور از حیوان ضاله حیوانات علف خوار هستند که به وسیله چریدن زندگانی می‌نمایند و شامل حیوانات دیگر مثل طیور، سگ شکاری و امثال آن نمی‌باشد. (۲) مملوک باشد یعنی در ملکیت اشخاص باشد و علم به اعراض مالک از آن حاصل نشود. کلیه حیوانات اهلی در ملکیت اشخاص می‌باشند و همچنین است حیوانات غیر اهلی که بر آن علامت مالکیت از قبیل قلابه در گردن یا حلقه در پا باشد، (۳) بدون متصرف باشد یعنی کسی آن را تحت استیلاء نداشته باشد. حیواناتی که معمولاً در تابستان در چراگاهها آزاد بسر می‌برند، مانند اسبهای ایلخی بدون متصرف نمی‌شوند، (۴) در چراگاه و نزدیک آب نباشد، منظور این است که حیوان نتواند به وسائل طبیعی به خودی خود غذا بدست آورده و ادامه حیات دهد. و در صورتی که حیوان نزدیک آب یا چراگاه است در مقابل حیوانات درنده متمکن از دفاع نباشد، به طوری که هرگاه در محلی که پیدا شده بماند احتمال آن رود که دچار درندگان گردد و نتواند با آنها مبارزه نماید و یا فرار اختیار کند، مانند اسب، گاو، بز، آهو و امثال آن که قادر به مبارزه یا فرار می‌باشند. هر کسی حیوان ضاله را پیدا نماید، باید آن را به مالک رد کند و اگر مالک را نشناسد، باید آن را به حاکم یا قائم مقام او تسلیم نماید والا ضامن خواهد بود، اگرچه بعد از تصرف رها کرده باشد و در این صورت مالک می‌تواند بدل آن را از او

ضاله، مؤنث ضال از ریشه ضَلَّ یا ضَلَّ و بعضی آن را از ضلّی و ضلیاً و هر دو به معنی گمراهی و هلاک آورده‌اند (المنجد، فرهنگ جامع). معانی دیگر نیز برای ضَلَّ ذکر کرده‌اند: انحراف از راه حق، دور از هدایت و راه راست، راه نایافته و نیز به چیزی گم شده ضاله گفته‌اند. در معنی فاعلی ضال یعنی گمراه که فرمود: ... غیر المغضوب علیهم ولا الضالین = نه به آنان غضب کرده‌ای و نه گمراهان (فاتحه، ۷) و یا واذکروا کما هداکم و ان کتم من قبله لمن الضالین = بادش کنید که شما را که بیشترها از بیراهان بودید فراراه آورد (بقره، ۱۹۸). ضال و ضالین حدود ۱۴ بار و ضلّ مجموع مشتقات آن ۱۸۹ بار در آیات کریمه قرآن آمده است.

در آیه‌ای که خطاب به رسول اکرم (ص) فرمود: وَجَدَكَ ضالًّا فهدئ = و ترا سرگشته یافت و راهنمایی کرد (ضحی، ۷). مفسرین در توجیه این آیه و در معنای ضال گفته‌اند که مراد از ضالالت در اینجا نفی ایمان و توحید و پاکی و تقوی نیست، بلکه نفی آگاهی از اسرار نبوت، قوانین اسلام و عدم آشنایی با این حقایق بود. تاریخ روشن زندگی پیامبر (ص) شاهد گویا و رسائی است که هیچگاه از طریق توحید و راه حق منحرف نشد و دچار گمراهیهای شرک و انحراف محیط خود نگردید. کتاب تفسیر برتوی / از قرآن نوشته آیت الله طالقانی برای معنای ضال در این آیه احتمال دیگری داده است که ضالالت در مقابل هدایت عام، خاموشی قوا و رکود استعدادها یا انحراف آنها از طریق کمال است، که از نقص خلقت و فساد محیط و اختیار طریق شر و گناه ناشی می‌شود و موجب اختلال قوا و استعدادهای نفسی و عقلی می‌گردد که شخص را از درک هرگونه هدایت باز می‌دارد. و آیه شریفه واللّه لا یهدی القوم الظالمین = خداوند ظالمین را هدایت نمی‌کند (جمعه، ۵) نشان آن است که رسول اکرم (ص) قابل هدایت بود.

ضال به معنی گمشده هم آمده است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «ضال الجاهل لا موجود له و ضال العالم الحکمة یبحث کما هو و ضالة العاقل الحکمة کما احق بها = گمشده نادان وجود ندارد و



Yahudilik 22024
Dalalet 040052



أثر الانحراف الاعتقادي
على الإرهاب العالمي
(اليهودية أنموذجاً)

د. سعد بن علي بن محمد الشهراني
عضو هيئة التدريس بقسم العقيدة جامعة أم القرى
والمستشار برابطة العالم الإسلامي بمكة المكرمة

289 - 334

مجلة

المجمع الفقهي الإسلامي

D1171

مجلة دورية محكمة
يصدرها المجمع الفقهي الإسلامي
برابطة العالم الإسلامي

السنة العشرون ٢٠٠٨/هـ ٤٢٩ العدد الثالث والعشرون

-081700 HİDAYET
91-040052 DALALET
KUR'AN'DA DALALET ve
HİDAYET KAVRAMLARI.
Aytekin Yılmaz. Yüksek
Lisans Tezi, Kayseri
1992, Dan. : Celal Kirca,
Erciyes Üniversitesi,
Sosyal Bilimler Enstitüsü.

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

03 NISAN 1995

Dalalet

31 AGUSTOS 1992

Ali b. Ebil-'Azz, Serhul-akidetü'l-Tahviyye,
s. 219

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

- Hidayet
- Dalalet

ARAŞTIRMACI
TEZİN ADI

: Ramazan Akhtar
: Kur'an'a göre Hidayet
ve Dalalet

TÜRÜ
DANIŞMAN
ÜNİVERSİTE ve BÖLÜM

: Doktor
: Doç. Dr. Süleyman Toprak
: Selah. Üniv. Sosyal Bilimler Enst.
Temel İslam Bilimleri Böl.
: 1994

BITİŞ TARİHİ
BASILDIĞI YER-TARİH
veya

BULUNDUĞU KÜTÜPHANE : Selah. Üniv. Sosyal Bil. Enst.

06 TEMMUZ 1996

Dalalet

31 AGUSTOS 1992

İbn Teymiye, Mecmû Fetâvâ,
C.1, s. 316

Dalalet

31 AGUSTOS 1992

Ali b. Ebil-'Azz, Serhul-akidetü'l-Tahviyye,
s. 95

Dalalet

31 AGUSTOS 1992

İbnu'l-Veriz, İsrâ'u'l-Hak, s. 234

02 KASIM 1991

ilim dalı: KLM

madde: Dalalet

A. Br. : c. , s.

B. L. : c. V, s. 3833

F. A. : c. I, s. 61, Yanılma, Sapi. 41
(Kavramlar Böl.)

M. L. : c. II, s. 349 -

T. A. : c. , s.

İdâ'î - 91240

12 MART 1991

Yahya b. Hüseyin

(الرشد على الجيرة)

Resailul-Adl, II, 35

Sabit SIRATI MÜSTAKİM

القول الجميل في بيان سوا السبيل

شاه ولی الله الدهلوی (v.)

اوله : الحمد لله الذي خلق قلوب بني آدم متعرة الفيهان
K22, II, 248.

- Dalalet

10 SUBAT 1996

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

13 OCAK 1996

ما رقين ۱۸۵۴ امام خمینی. "مارقین". پیام انقلاب، سال ۳، ش ۶۲ (۱۹ تیر ۱۳۶۱):
ص ۳۸-۴۰.

پیدایش، چگونگی رشد و شکل گیری مارقین.

۱۸۵۵ "مارقین پیشگام نمایان بی فرهنگ". پیام انقلاب، سال ۳، ش
۶۴ (۱۶ مرداد ۱۳۶۱): ص ۵۷-۵۹.

ویژگیهای مارقین از دیدگاه علی (ع)، خصیصه های بینشی و
عقیدتی مارقین.

۱۸۵۶ امام خمینی. "مارقین: کشتگاه بذر انحراف و انشعاب". پیام
انقلاب، سال ۳، ش ۶۵ (۳۰ مرداد ۱۳۶۱): ص ۴۲-۴۴.

نقد و بررسی خصوصیات عقیدتی مارقین.

DALĀLET

o

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XIX, 80-

4

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XIV, 59.

o Dalâlet,

Beyhâkî, K. el-Esmâ ve's-Sıfat, 185-191
D/A Ktp. 297-412. Bey. E

Dalâlet (Tefsîr) (ذالالت)
Râzî, Tefsîr, XXVIII, 280.

Dalâlet

181 AGUSTOS 1997

İbnü'l-Vezîr, İsrâ'u'l-Hak, s. 243

o

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XIII, 177-

KLM

o

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XV, 58-

Dalâlet

Râzî, Tefsîr, XI, 47-

28 MAYIS 1993

- HİDAYET
- DALÂLET

YÜKSEL,

Emrullah (Doç. Dr.), "Kur'an-ı Kerim'de Hidayet ve Dalâlet Anlayışı", Atatürk
Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 7, (1986), 87-107.

o

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XXVI, 140.

o

Hidayet - dalâlet
Râzî, Tefsîr, XXV, 2-

Dalâlet

Râzî, Tefsîr, XXVIII, 37-

Unity in Diversity

Mysticism, Messianism and the Construction of Religious Authority in Islam

Edited by

Orkhan Mir-Kasimov

23 Mayıs 2015

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Bogazici University Library



39001107099739

14



BRILL

LEIDEN • BOSTON

2014

- Mesih (131084)
- Dalalat (060052)

MESSIANISM, HERESY, AND HISTORICAL NARRATIVE IN MUGHAL INDIA

A. Azfar Moin

And since, in his Majesty's opinion, it was a settled fact, that the 1000 years since the time of the mission of Prophet (peace be upon him!), which was to be the period of the continuance of the faith of Islam, were now completed, no hindrance remained to the promulgation of those secret designs, which he nursed in his heart. . . . He felt at liberty to embark fearlessly on his design of annulling the statutes and ordinances of Islam, and of establishing his own cherished pernicious belief [in their stead].

'Abd al-Qādir Badā'ūnī

In 990/1582, the Mughal emperor Jalāl al-Dīn Akbar (d. 1012/1605) stood accused of abjuring Islam and claiming to be the harbinger of a new sacred order.¹ The first millennium of Islam was coming to a close and astrological signs held omens for religio-political change.² Akbar had ordered a new history to be written, calling it the *Tārīkh-i alfi* (Millennial History) and issued new coins with the "era of the thousands" stamped on them. In the years that followed, Abū-l-Faḍl, a learned courtier, historian, and confidant of the emperor, crafted a new imperial narrative, the *Akbarnāma* (Book of Akbar), which exalted the sovereign in spiritual terms.³ Using elaborate metaphors of light borrowed from Ṣūfī metaphysics,

¹ Badā'ūnī, *Muntakhab* ii, 301; Badā'ūnī et al., *Muntakhab* ii, 310.

² The theory that major religio-political changes, including the appearance of the savior or messiah before the end of the world, take place at the end of a millennial cycle were deeply grounded in the science of conjunction astrology. A mixture of ancient Iranian, Indian, and Greek traditions, conjunction astrology became popular from the ninth century onward in the Muslim world through the works of the renowned astrologer Abū Ma'shar (d. 272/886, known as Albumazar in Christianity). This is how David Pingree describes the basics of this science: "A Saturn-Jupiter conjunction takes place about every 20 years; a series will occur in the signs of one triplicity for about 240 years, that is twelve conjunctions; and they will have passed through the four triplicities and begin the cycle again after about 960 years. When they shift from one triplicity to another, they indicate events on the order of dynastic changes. The completion of a cycle of 960 years, which is mixed up with various millennial theories, causes revolutionary events such as the appearance of a major prophet. The ordinary course of politics is dependent on the horoscopes of the vernal equinoxes of the years in which the minor conjunctions within a triplicity take place." See Pingree, *Astronomy and Astrology in India and Iran* 245.

³ Richards, *The Formulation of Imperial Authority*.

353-414

Dalâlet

Taberi, Tefsir, VI, 212,
213

و ن
ر

∅
Dalâlet,

Alusi, Ruhul-Meani, XIII, 148
DIA Ktp 297-211 ALU-R.

KLM

Dalâlet,

Alusi, Ruhul-Meani, XXII, 169
DIA Ktp 297-211 ALU-R

KLM

b

Hidâyet - dalâlet

Râzi, Tefsir, XII, 207 -
XII, 220 -

∅

Hidâyet - dalâlet

Râzi, Tefsir, XXVI, 263.

∅
Dalâlet

(Ummetin dalâlete
fızmının cevazı
yahut ademî cevazı)

Hayyat

intisar 114 vdd.

∅
Dalâlet

(Remâzi ve Beydavi'ye göre)

Lutfi Ibrahim,
The Concept of Divine Justice ... 4,
Hamdard Islamicus, III, 1.

Adl posetinde

Dalâlet

Râzi, el-Metâlib 9/381-

10 MAYIS 1991

Dalâlet

Râzi, Tefsir, XXVI, 85-

Dalâlet 3253 KNYSH, Alexander, "Orthodoxy"
and "Heresy" in Medieval Islam: An Essay in
Reassessment'. The Muslim World (Hartford,
CT), 83:1, 1993, pp.48-67

3 KASIM 1995

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA GELEN DOKÜMAN

Dalâlet

Râzi, Tefsir, II, 137 -

Kur'an'da hidayet ve dalâlet kavramı. YILMAZ, Aytekin. Yüksek Lisans. Erciyes
Üniversitesi, Sosyal Bilimler Enstitüsü, Kayseri, 1993. 161 s., 104 ref.
Danışman: Doç. Dr. Celal Kırcı. Dili: Tr.

20 MAYIS 1998

Kur'an'da Hidâyet ve Dalâlet Kavramı

(Yüksek Lisans Tezi)

Danışman

Doç.Dr. Celal KIRCA

7 0 KASIM 1993
MADDE 218-219-220-221-222
SONRA İZLEN BÖLÜMÜ

Hazırlayan

Aytekin YILMAZ

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphanesi	
Dem. No:	65112
Tas. No:	297.86 YIL-K

TEZ

Kalamullah



می‌گردد و سپس موارد استثنا یاد می‌شود و در پایان به جمع‌بندی حکم کتب ضالّه و پاره‌ای از اصول اسلامی پرداخته خواهد شد. امید که مفید افتد.

تاریخچه مسأله

ظاهر آکتب ضالّه برای نخستین بار توسط شیخ مفید در مقنعه مطرح شد. مرحوم مفید، دو عنوان «کتب کفر» و «کتب ضلال» را مطرح ساخت و حکم به عدم حلیت حفظ و کسب با کتب کفر و ضلال داد. وی می‌نویسد: «ولایحل کتب الکفر و تخلید الصحف الا لإثبات الحجج فی فساد و التکسب بحفظ کتب الضلال و کتبه علی غیر ما ذکرناه حرام»^۱

این دو عنوان تا مدت‌ها بعد با هم ذکر می‌شدند. شیخ در نهایت^۲، سلار در مراسم^۳ و حتی علامه در تذکره^۴ و منتهی^۵ هر دو عنوان را یاد کرده‌اند. بعدها عنوان «کتب کفر» از دایره بحث خارج شد و بحث بر محور کتب ضالّه چرخید، تا آنکه مرحوم شهید دو عنوان جدید بدان افزود و در دروس^۶ کتب منسوخه و کتب بدعه را در کنار کتاب ضالّه ذکر کرد. پس از وی فاضل مقداد در تنقیح^۷ و محقق اردبیلی در مجمع الفایده والبرهان^۸ هر دو عنوان را یادآور شدند. در فاصله بین محقق اردبیلی و صاحب مفتاح الکرامه، یادی از کتب بدعت و منسوخ نیست. مرحوم

۱. المقنعه/ ۵۸۸ چاپ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین «حفاظت از کتب کفر جز برای اثبات فسادش حلال نیست و کسب از راه حفظ کتب ضالّه و نگارش آن بغیر از آنچه گفته شد حرام است».
۲. النهایة در مجموعه ینابیع الفقهیه ج ۱۳، ص ۷۷.
۳. المراسم العلویة، ص ۱۷۳، چاپ مجمع العالمی لأهل البیت.
۴. تذکرة الفقها، ج ۱، ص ۵۸۲، چاپ مکتبة المرتضویة.
۵. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۱۰۲۰، چاپ رحلی.
۶. دروس الشرعیة، کتاب المکاسب، درس اول، ص ۳۲۶ چاپ انتشارات صادقی، قم.
۷. تنقیح الرائع لمختصر الشرایع، ج ۱، ص ۱۲ از انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
۸. مجمع الفایده والبرهان، ج ۸، ص ۷۵، چاپ مؤسسه نشر اسلامی.

حکم فقهی کتب ضالّه

در

گذر زمان

محمدعلی سلطانی

(مقدمه)

بازنمایی تأثیر و نقش «زمان و مکان» در فقه از راه پی‌جویی جای پای «زمان و مکان» در موضوعات و مسائل فقه در روند تاریخی آن، نیکوترین و اثبات‌پذیرترین شیوه است. ادعای تأثیرگذاری زمان و مکان بدون ارائه نمونه عملی آن شاید به آسانی قابل پذیرش نباشد؛ در حالی که نمایش آن در روند یک مسأله فقهی و چگونگی تحوّل آرای فقها بر پایه تحوّل شرایط زمانی و مکانی، پذیرش آن را آسانتر می‌کند. مقوله کتب ضالّه از جمله مسائلی است که تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی تحوّل شگرف یافته است. گاه مصادیق آن جابه‌جا شده و زمانی حکم آن تغییر کرده است. در دوره‌ای عناوین جدید بدان افزوده شده و در عصری عناوینی از دایره حکم خارج شده است. فقیه‌ای به بازتاب شرایط محیطی در اندیشه اش پاسخ داده و آن را در فتاوی خود منعکس ساخته است و فقیه‌ای دیگر در پاسخ به مقتضیات عصرش، فتوای فقیه دیگر را ردّ و یا اثبات کرده است. برای یافتن تأثیر زمان و مکان در حکم کتب ضالّه، مسأله نخست در بستر تاریخی آن به مطالعه گذاشته می‌شود و سپس تعریف کتب ضالّه از دید فقها بازنگاری می‌گردد. در ادامه حکم کتب ضالّه و دایره تعلق آن تبیین می‌شود و آنگاه دلایلی که فقها برای اثبات حکم آن ارائه کرده‌اند، نگاشته می‌شود. در فصلی دیگر عوامل توسعه و تضییق حکم کتب ضالّه بیان

14 AGUSTOS 1996

HİDAYET-DALÂLET VE İNSANIN SORUMLULUĞU

Dr.Mehmet BULUT

GİRİŞ

Hidâyet-dalâlet meselesi, bir yandan yüce Allah'ın iradesi ve ilahî takdirle, diğer yandan insanın iradesi ve dolayısıyla sorumluluğu ile ilgili bir konu olduğundan ötedenberi insanların çokca ilgisini çekmiştir.¹

Bazı insanlar, hidâyet-dalâlet konusunda insanın irade ve sorumluluğunu görmezlikten gelerek "cebr" inancına saplanmış, bazıları da bunun, tamamen insan iradesine bağlı olduğunu ileriye sürerek ilahî takdiri görmezlikten gelebilmiştir. Her iki düşünce sahipleri de görüşlerini Kur'an ayetlerine dayandırmaktadır. Kur'an ayetlerinde bir zıtlık olmadığına göre bu konudaki düşünce farklılığı nereden kaynaklanıyor? Elbette, Kur'an ayetlerini anlama ve yorumlama farklılığından kaynaklanıyor. Kur'an ayetleri incelendiği takdirde hidâyet-dalâlet konusunda bazı ayetlerin, bunun, Allah'dan olduğunu, bazı ayetlerin de kuldan olduğunu belirttiğini görüyoruz. Halbuki iki görüşde de aşırılıklar vardır. O halde Kur'an ayetlerini doğru bir şekilde yorumlayarak hidâyet-dalâlet konusunu açıklığa kavuşturmak mümkündür. İşte biz bu araştırmamızda bunu gerçekleştirmeye çalıştık.

Konu ile ilgili ayetlerin incelenmesine geçmeden önce hidâyet ve dalâlet kelimelerinin anlamı üzerinde duralım.

10 ARALIK 2001
MADDE YAKIHLANDIKTAN
SONRA GELİR DOKÜMAN

1) Bu konuda Cihat Tunç'un "İslam Dinine Göre Hidâyet ve Dalâlet", Erciyes Ün. İlahiyat Fak. Dergisi, Sayı:6,(Kayseri,1989), s.25-41 ve Emrullah Yüksel'in "Kur'an-ı Kerim'de Hidâyet ve Dalâlet Anlayışı" Atatürk Ün. İlahiyat Fak. Dergisi, Sayı:7,(İstanbul,1986), s.87-107 adlı makaleleri vardır.

بعض مسائل العقيدة

من منظور الحديث الشريف

الأجل .. الرزق .. العمل .. الهداية .. الإضلال

الدكتورة

شيخة حمد العطية (مدرس)

قسم أصول الدين

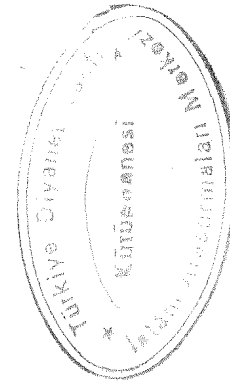
كلية الشريعة والدراسات الإسلامية والقانون

جامعة قطر

- Ecel
- Rizik
- Amel
- Hidayet
- Dalalat

Havliyyatu Külliyyetis-Serri ve'l-Kanun ve'd-Dinasi'l-Islamiyye,
A'ed. 18, 1421/2000 Doha, ss. 126-166

D3375



26 EKİM 2009

MADDE YATIMLANDIKTAN
SONRA GELEN HAYATIMAN

القرآن والفلسفة

تأليف

الدكتور محمد يوسف موسى

دكتوراه الدولة في الفلسفة من السوربون
أستاذ ورئيس قسم الشريعة الإسلامية بكلية الحقوق
بجامعة عين شمس بالقاهرة

الطبعة الرابعة

Türkiye Diyanet İşleri İslam Araştırmaları Merkezi İstanbul	
Kayıt No. :	9994
Tasnif No. :	2974 mus. k



دار المعارف

1982 bk. son sayfa

Dalalat (138-154)

MADDE YAYIMLANDIKTAN
SONRA ÇELİK OKUMAN

28 ARALIK 1995

١٣٩

الله قد يرضى ويريد أن يُضِلَّ بعضَ الناس ! وإذا فرضنا هذا ممكناً ، فكيف
تتق بما أرسل من الرسل وأوحى من الكتب ؟

وهناك ناحية أخرى تجعل لهذا البحث أهمية خاصة لها خطرها الكبير . من
الممكن أن يقبل العقل أن ينسب ما يصدر من الإنسان من عمل إلى الإنسان
نفسه ؛ لأنه هو الذي صدر ووُجِدَ عنه الفعل ، أو إلى الله باعتباره السبب الأول
الذي قدَّر على الإنسان هذا العمل ودفعه إليه . أما الضلال عن الحق والإيمان ،
والانصراف عنه إلى الباطل والكفر ، فأمر أحوال يستولى على العقل ، أو على
القلب ، كما جاء بالقرآن ، فيُعَمِّيه عن الطريق الحق ، وذلك لعوامل مختلفة قد
يكون منها إلف المرء ما هو عليه من عقيدة موروثه ، واعتقاد بطلان ما يخالفها .
ليس من السهل إذاً مع هذه الاعتبارات ، أن تنسب هذه الحالة لله الذي من شأنه
أن يهدي ويرشد ، لا أن يُضِلَّ ، ولا للإنسان الذي لا يرضى لنفسه أن يكون
ضالاً على علم .

لا جرم إذاً ، أن نرى الخلاف يشور ، وبشدة ، في هذه الناحية المتعلقة
بذات الله وصفاته : وأن نرى كل فريق من المتكلمين يحاول نصر مذهبه بالقرآن .
ولنأخذ الآن في بحث هذه المشكلة بين أكبر الفرق الكلامية في الإسلام ، نعى
دائماً أهل السنة والمعتزلة .

١ - يرى الطبري ، من أهل السنة أن معنى قول القرآن : فإن الله يضل من
يشاء ويهدي من يشاء .^(١) أن الله يَحْذُلُ من يشاء عن الإيمان فيضله عن سبيل
الرشاد ، ويوقِّق من يشاء للإيمان وللهداية إلى هذا السبيل^(٢) . وكذلك يرى

(١) فاطر مكية : ٨ .

(٢) الطبري (تفسير) ج ٢٢ : ٦٩ .

١٣٨

هذا الرأي الذي نتقدم به ، والذي يحفظ الله عدالته وكال إرادته وقدرته ،
قد يكون أدنى للحق ، الحق الذي نعتقد أن أحداً لم يزعم حتى الآن فيما نعلم
أنه وُفِّقَ إليه في هذه المشكلة التي تتعلق بذات الله وصفاته البعيدة عن الإدراك
والإحاطة بها .

٢ - الإضلال والهداية

عالجنا في القسم الأول من البحث « العدالة الإلهية » مسألة العمل بين الله
والإنسان ، بمعنى مقدار ما للإنسان من أثر في إيجاد أعماله ، وهل يصح أن يريد
الله خلق الشر أولاً . والآن نأخذ في معالجة القسم الثاني منه ، نعى البحث في
فعل الله من ناحية خاصة ، هي هل لله أن يُضِلَّ من يشاء ويهدي من يشاء ،
لأنه لا يسأل عما يفعل ؟ أو أن ذلك لا يمكن أن يكون ، وإلا كان
عما لا يتفق مع عدالته التامة ؟ وهذا القسم الثاني يمكن أن يُعْتَبَر ، كما هو واضح
جزءاً أو ناحية أخرى من القسم الأول الذي موضوعه العمل بين الله والإنسان .
ولكننا مع هذا آثرناه ببحث خاص على حدة ، لأهمية هذه المشكلة التي جعلناها
موضوعاً له : الإضلال والهداية ، التي هي موضع خلاف شديد بين أهل السنة
والمعتزلة ، وكل من القرينين يستوحى دائماً القرآن ، أو يستند إليه على الأقل
في مذهبه .

وربما كان مما يجعل لهذا البحث أهمية خاصة ما نعلم جميعاً من أن الله أرسل
من أرسل من رُسُلٍ لهداية العالم وإخراجه من ظلمات الخيرة والجهل إلى نور اليقين
والمعرفة ، فكيف يَحْطُرُ بالبال مع هذا أن يذهب بعض المتكلمين إلى القول بأن

randı
/عند

موازن القرآن الكريم

الجزء الأول

Dalet (35-45)

جميع الحقوق محفوظة

تأليف

عز الدين بليق

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Araştırmaları Merkezi Kütüphane	
Demirbaş No:	124177-1
Tasnif No:	297.2 BELM

297.2/BELM

الناشر
دار الفتح للطباعة والنشر
بيروت - لبنان

08 NISAN 1995

MADE WITH MICRAN
SÖZLÜKÜMÜZÜMÜZ

الطبعة الأولى

١٤٠٢ هـ - ١٩٨٢ م

الطبعة الثانية

١٤٠٤ هـ - ١٩٨٤ م

موازن الحديث والضلالة في القرآن الكريم

قال له صاحبه وهو يحاوره:

— أنا مؤمن بالله والحمد لله، وأقرأ القرآن أحياناً، وأصلي الجمعة والأعياد، وأصوم شهر رمضان، ولكني يا أخي لا أعلم ماذا سيكون مصيري، لأن الله سبحانه وتعالى يقول في كتابه الكريم: ﴿يغفر لمن يشاء، ويعذب من يشاء﴾ ويقول أيضاً: ﴿يضل من يشاء، ويهدي من يشاء﴾، ولذلك ربما دخل الجنة إنسان أقل مني إيماناً وعملاً، ودخلت أنا النار، أليس كذلك يا صاحبي؟

— فأجابه صاحبه:

لا يا صاحبي، ليس الأمر كذلك، ففي القرآن الكريم موازين توضح كل شيء، صحيح أن الله ﴿فعال لما يريد﴾^(١) ﴿وأن الله يهدي من يريد﴾^(٢) وأنه ﴿يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء﴾^(٣) و﴿يضل من يشاء، ويهدي من يشاء﴾^(٤)، ولكن الله - تعالى - أوضح موازين الهداية والضلالة وموازن المغفرة والعذاب.

(٣) آل عمران : ١٢٩
(٤) النحل : ٩٣

(١) البروج : ١٦
(٢) الحج : ١٦

﴿ونضع الموازين القسط ليوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً، وإن كان مثقال حبة من خردل أتينا بها وكفى بنا حاسبين﴾^(٣٨).

وها أنذا - أقدمها في هذا الكتاب للناس جميعاً، والله أسأل أن ينفع بها كل مستمع وقارئ، وكل مسلم ومسلمة، وكل إنسان يتطلع للمعرفة والهداية، وأن يكتب لي أجر ما كتبت، وأن يجعله خالصاً لوجهه الكريم.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين

عز الدين بليق

بيروت : ٢٧ من رمضان ١٤٠١ هـ

5453. Yahluf, Ramadān: Ğudūr 'aḳīdatinā : baḥṡ fī 'aḳīdat al-
qaḍī' wa'l-qadar, wa-sunnat Allāh fī 'l-hidāya wa'ḍ-ḍalāl / Ra-
madān Yahluf. - Ṭab'a 1. - Qusaṡīna : Dār al-Ba'ṡ, 1984
1405 h. - 202 S.
In arab. Schrift, arab.

35 A 117-3

111697
Kara
Kater
Hidaya
Dakika

MADDE YAKINLANDIKTAN 26 A 17081

SONRA GELEN DOKÜMAN

26 HAZİRAN 1996